

## نقش نهاد بازرسی قانونی شرکتهای سهامی در رویارویی با فساد اقتصادی و اداری<sup>۱</sup>

محمد وزین کریمیان<sup>۱</sup>

### چکیده

نقش نهاد بازرسی قانونی شرکتهای سهامی را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد. بازرس یا بازرسان قانونی آن دسته از سازمانهای اداری کشور، که از الگوی ساختاری شرکت سهامی پیروی می‌کنند، دارای وظیفه‌ای ویژه - در ارتباط با سازمان بازرسی کل کشور - نیز هستند که بر اهمیت کار آنها در مقابله با فساد اقتصادی و اداری می‌افزاید. در این مقاله با بررسی نقش بازرس یا بازرسان قانونی شرکتهای سهامی در دو سطح نظری و قوانین به صورت کلی و در نظام اداری کشور، پیشنهادهایی در راستای ارتقای اثربخشی این ظرفیت قانونی در رویارویی با فساد اقتصادی و اداری عرضه شده است.

### واژگان کلیدی

شرکتهای سهامی، بازرسی قانونی، مقابله با فساد، نظارت، سازمان بازرسی

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۱۷

۲. استادیار دانشگاه شاهد، پست الکترونیکی: Bazresi\_dtk@Police.ir

## ۱. مقدمه

(طرح مسئله): نقش نهاد بازرسی قانونی شرکتهای سهامی در حفظ حقوق سهامداران و سایر ذینفعها را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد. از یک دیدگاه، مجموعه شرکتهای سهامی در اقتصاد کشور، نقشی حیاتی و ویژه دارند که این حیاتی بودن و ویژگی در نقش بازرسان قانونی آنها نیز بازتاب می‌یابد. نقش حیاتی و ویژه مجموعه شرکتهای سهامی در کشور ما به امور اقتصادی محدود نمی‌شود؛ زیرا تعداد نسبتاً زیادی از سازمانهای بخش عمومی - از جمله شرکتهای دولتی - از الگوی ساختاری شرکت سهامی پیروی می‌کنند. بنابراین، مجموعه شرکتهای سهامی با نظام اداری کشور نیز همپوشانی نسبتاً گسترده‌ای دارد. از دیدگاه دیگر، ماهیت و گوناگونی وظایف و اختیارات بازرس یا بازرسان قانونی شرکتهای سهامی، این پرسش را مطرح می‌سازد که آنان چه نقشی در رویارویی با فساد اقتصادی و اداری دارند.

در کشور ما، این پرسش با توجه به واقعیت پیشگفته - همپوشانی نسبتاً گسترده مجموعه شرکتهای سهامی با نظام اداری - اهمیتی دو چندان می‌یابد.

مسئله این مقاله این است که در دو سطح نظری و قوانین کشور، بازرس یا بازرسان قانونی شرکتهای سهامی چه نقشی دارند و چگونه می‌توان اثربخشی این ظرفیت قانونی را در رویارویی با فساد اقتصادی و اداری ارتقا بخشید. پس از تبیین جایگاه و نقش نهاد شرکت سهامی در جامعه به مسئله طرح شده پرداخته خواهد شد.

## ۲. جایگاه و نقش نهاد شرکت سهامی در جامعه

شرکت سهامی از جمله شرکتهای تجاری است (ماده ۲ قانون تجارت - ۱۳۱۱). با وجود این، «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود گرچه که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد» (ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). بنابراین، موضوع عملیات شرکتهای سهامی، تولید کالاها و خدمات گوناگون مورد نیاز جامعه - نه فقط امور بازرگانی - را در بر می‌گیرد و این نشانه نقش برجسته این الگوی سازمانی بویژه در سلامت اقتصادی و اداری جامعه است؛ به عبارت دیگر، مجموعه شرکتهای سهامی، کارهایی بسیار گوناگون انجام می‌دهند و با اقشار گوناگون جامعه (به صورت گروه‌های متمایز ذینفع) در ارتباط هستند و با مقامات و اداره‌های گوناگون سر و کار دارند. بنابراین،

سلامت ساختار و مدیریت و کار این شرکتها از راههای گوناگون و در سطوح مختلف بر سلامت جامعه مؤثر است. از سوی دیگر، شرکتهای سهامی، قائم به سرمایه خود هستند و این مفهوم علمی را در قانون کشور ما در این حکم می‌توان دید: «مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است» (از ماده ۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). معنای عملی این حکم این است که در صورت ورشکستگی شرکت سهامی، و پس از پایان عملیات تصفیه، طلبکاران طلب لاوصول نمی‌توانند به صاحبان سرمایه (بموقع خود) شرکتی که ورشکست شده و اینک وجود ندارد رجوع کنند. این نکته ضرورت توجه دو چندان نهادهای مسئول را به حفظ حقوق اشخاصی مطرح می‌سازد که با این شرکتها معامله می‌کنند.

شرکتهای سهامی - بویژه شرکتهای سهامی عام، یعنی شرکتهایی که مؤسسان آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند (از ماده ۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷) - گاه به صورت سازمانهای بسیار برجسته مثلا بانک ... در جامعه ظاهر می‌شوند و در این صورت طبیعی است آحاد جامعه چنین بیندیشند که لابد تأسیس، وجود و فعالیت این شرکتها که در دید مقامات مسئول قضایی، امنیتی، اداری و سیاسی جامعه است، قانونی است. این نکته نیز ضرورت توجه دو چندان بیان شده را مطرح می‌سازد.

چنین به نظر می‌رسد که شرکت سهامی عام، عالیترین نهادی است که بشر امروز در عرصه اقتصاد و بازرگانی و فعالیتهای انتفاعی طراحی کرده است. یکی از جنبه‌های متمایز و برجسته شرکتهای سهامی عام این است که مؤسسان، بخشی از سرمایه را - در کشور ما تا ۸۰٪ (ماده ۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷) - از طریق پذیره نویسی تأمین می‌کنند؛ به این ترتیب، امکان اینکه پس اندازهای بسیار کوچک مردم به سرمایه‌های بسیار بزرگ تبدیل شود فراهم است. هنگام افزایش سرمایه نیز ممکن است تمام یا باقیمانده سهام جدید - در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند - از طریق پذیره نویسی به فروش برسد (ماده‌های ۱۷۲ و ۱۷۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷)

این واقعیت، موجب می‌شود که حتی اگر همه سهام شرکت به اشخاص بخش خصوصی جامعه تبدیل باشد، جنبه‌ای از عمومی بودن را برای این الگوی سازمان اقتصادی قائل شویم. خود قانونگذار هم گاه، تعبیر «شرکت سهامی عمومی» را به جای «شرکت سهامی عام» به کار برده است؛ از جمله در ماده ۱۰۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷ که مقرر می‌دارد: شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

به علاوه با توجه به سرمایه‌های بسیار بزرگ تعداد قابل توجهی از شرکتهای سهامی و نقشی که این شرکتها در ارتقای سطح اشتغال و افزایش تولید ملی دارند و تأثیر چگونگی عملکرد آنها بر بازار سهام (بورس اوراق بهادار) کشور، حضور، چگونگی رفتار و سلامت آنها برای کل جامعه حساس و مهم است.

تا اینجا بحث این است که این شرکتها در بخش خصوصی جای دارند؛ ولی واقعیت این است که در کشورهایی مثل کشور ما تعداد قابل توجهی از این شرکتها در بخش عمومی اقتصاد کشور قرار دارند و از میان اینها تعدادی «شرکت دولتی» هستند و درصدی از سهام بعضی از شرکتهای سهامی غیردولتی نیز متعلق به دولت است (۵۰ درصد یا کمتر). در شرکت دولتی نفعی که از شرکت عاید ملت می‌شود لازم نیست حتماً به صورت منفعت پولی باشد که در پایان سال تحت عنوان سود سهام بین شریکان توزیع می‌شود. این منفعت ممکن است به صورت خدمت منظم و مفیدی باشد که در طول سال عاید مردم می‌شود و آسایش بیشتر آنها را تأمین می‌کند (مهر، ۱۳۴۹: ۲۷). این واقعیت و اینکه یکی از الگوهای سازمانی دولت، شرکت سهامی است به این معنا است که نهاد شرکت سهامی، جایگاه و نقشی بیش از حوزه تجارت و اقتصاد دارد؛ به عبارت دیگر، تنظیم کلی نهاد شرکت سهامی در عین حال، تنظیم بخشی از سازمان دولت و تنظیم تأمین بخشی از خدمات و کالاهای مورد نیاز مردم است.

نتیجه: با توجه به جایگاه و نقش نهاد شرکت سهامی در جامعه و در سازمان دولت، سلامت ساختار، رفتار و تعاملات محیطی این نهاد، نقش قابل توجهی در سلامت جامعه (نبود تخلف و جرم) دارد.

## ۱-۲. جایگاه و نقش بازرسی قانونی در شرکت سهامی (نگاهی کلی)

بازرسی شرکت سهامی عام را چشم و گوش سهامداران خوانده‌اند. در این مقاله، روشن خواهد شد که می‌توان او را چشم و گوش دادسرا، و در معنا چشم و گوش عموم مردم در شرکت سهامی دانست. در دکتترین، نظارت بازرسی هم شکلی و هم ماهوی است. در این مقاله نشان داده خواهد شد که در قانون کشور ما هم بازرسی شامل جنبه‌های شکلی و ماهوی است؛ افزون بر آن، صاحبان سهام در شرکتهای سهامی جداگانه حق مداخله در شرکت را ندارند و مجامعه عمومی صاحبان سهام نیز دقت و اطلاع کافی را برای بررسی و مطالعه عملیات و حسابهای مدیران ندارند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

این واقعیت نیز جنبه‌ای از جنبه‌های اهمیت کار بازرسی یا بازرسان قانونی را بویژه از دیدگاه سهامداران نشان می‌دهد؛ حتی چنین نوشته شده است که دانشمندان حقوق امروز برای شرکتهای تجاری استقلالی قائل شده‌اند و آنها را تابع اراده کامل شریکان نمی‌دانند و به عنوان مؤسسه معرفی می‌نمایند؛ این موضوع درباره شرکتهای سهامی کاملاً صادق است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

نتیجه: در یک نگاه کلی، بازرسان قانونی، نه تنها چشم و گوش سهامداران، بلکه چشم و گوش عموم مردم و ناظر قانونی بر سازمانهایی هستند که با استقلال نسبی از اراده مؤسسان و مالکان خود با تعاملات گوناگون و گسترده، جامعه را تحت تأثیر رفتار خود قرار می‌دهند و به همین نسبت می‌توانند در پیشگیری از تخلف و جرم و مقابله با فساد اقتصادی و اداری مؤثر واقع شوند.

## ۲-۲. دیدگاه حقوقی و مدیریتی به نظارت و بازرسی

از دیدگاه حقوقی مجرمان قانون بویژه، ناظران اجرای آن با مسائل گوناگونی روبرو هستند که از اینجا تنها چند مورد آن به صورت کاربردی است. در دیدگاه مدیریتی نظام افکار و اقدامات برنامه ریزی، سازماندهی رهبری سازمانی، هماهنگ سازی و کنترل سازمان در جهت تحقق اهداف آن است. مدیریت در پی تحقق اهداف سازمان، همراه با کارآیی مطلوب است. در این دیدگاه تعریف هدف، تعریف هزینه، حدود سازمان غیر رسمی و تشخیص اثربخش مطرح می‌باشد (کریمیان، ۱۳۸۶: ۴۴).

## ۲-۳. اقسام نظارت بازرسان

بازرسان باید وضع عمومی شرکت و وضع مالی و محاسباتی آن را زیر نظر داشته باشند. در نظارت بر وضع عمومی شرکت، باید اول از مطابقت رفتار مدیران و سایر اعضای شرکت با قانون اطمینان حاصل کنند؛ آن گاه باید مراقب باشند که شرکت از محدوده اساسنامه خود خارج نشود. این موضوع بویژه از نظر واقعی بودن آمارهای اقتصادی - مثل توزیع مجموع سرمایه مجموعه شرکتهای سهامی کشور بین رشته‌های گوناگون فعالیت اقتصادی - و از نظر سلامت اقتصادی جامعه مهم است. بازرسان باید بر تحقق خطمشی‌های مصوب مجمع عمومی عادی و اجرای سایر تصمیمات این مجمع و نیز بر اجرای تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده نظارت داشته باشند.

بازرسان باید بر وضع مالی، محاسباتی و حسابداری شرکت نیز نظارت داشته باشند. چارچوب این نظارت و آیین گزارشدهی به مجمع را در این خصوص لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۳۴۷) به صورت نسبتاً تفصیلی بیان کرده است. نتیجه: بازرسان بر مطابقت رفتار مدیران و سایر اعضای شرکت با قانون و با اساسنامه و با مصوبات مجمع عمومی و بر وضع مال، محاسباتی و حسابداری شرکت نظارت دارند.

## ۲-۴. نسبت بازرسی با حسابرسی و کارشناسی

شاید همین توجه بیشتر قانونگذار به نظارت بازرسی یا بازرسان شرکت سهامی بر اسناد و دفاتر و صورتهای مالی و محاسباتی و تصور مهمتر بودن نظارت بر امور مالی، محاسباتی و حسابداری موجب شده باشد که بازرسان و مدیران و صاحبان سهام شرکت، بازرسی را تا حدودی معادل حسابرسی انگارند این در حالی است که در قانون نیز رشته‌های گوناگونی از نظارت برای بازرسان مقرر شده است که در این مقاله مورد بررسی واقع خواهد شد. اختیاری که در قانون برای بازرسی در نظر گرفته شده نیز با همین جامعیت و تنوع وظایف متناسب است. مطابق ماده ۱۴۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۳۴۷)، بازرسی یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام دهند و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کنند مورد رسیدگی قرار دهند. بازرسی یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در وظائفی که بر عهده دارند از نظر

کارشناسان استفاده کنند به شرط اینکه آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرسی تعیین می‌کند مانند خود بازرسی حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

**نتیجه:** بازرسی، حسابرسی و استفاده از نظر کارشناسی را در بر می‌گیرد.

**سازمان حسابرسی:** هر چند حسابرسی، تنها یکی از رشته‌های نظارت بازرسی قانونی است در قانون تشکیل سازمان حسابرسی، مصوب ۱۳۶۲ که دولت مکلف بوده «تمام کادر متخصص و پرسنل مورد نیاز را از واحدهای حسابرسی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات و شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت با حفظ سوابق خدمتی به سازمان مزبور منتقل کند» (از خود ماده واحده قانون یاد شده) برای این سازمان «اجرای وظایف بازرسی قانونی و امور حسابرسی سالانه مؤسسات و شرکتهای دولتی و بانکها و سایر دستگاه‌های عمومی و سازمانهای وابسته به این دستگاه‌ها مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و شرکتهای و مؤسسات تحت پوشش دولت را، که طبق اساسنامه و مقررات داخلی مربوط به خود به حسابرسی ملزم هستند»، مقرر شد (تبصره ۲-۱) و دنباله همین بند حکم شد که «وظیفه مزبور در انحصار سازمان حسابرسی است.» اساسنامه سازمان حسابرسی - مصوب ۱۳۶۶ نیز بند الف وظایف و اختیارات سازمان را این گونه تعیین کرد: اجرای وظایف بازرسی قانونی و امور حسابرسی تمام دستگاه‌هایی که طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی که مالکیت عمومی بر آنها مرتب است از قبیل ... و شرکتهای و کارخانجات و مؤسساتی که صرف نظر از چگونگی مالکیت سرمایه آنها به موجب قوانین و مقررات مربوط توسط مدیریت منتخب دولت و یا تحت پوشش دستگاه‌های اجرایی اداره می‌شوند و سایر دستگاه‌های عمومی که طبق اساسنامه و مقررات مورد عمل به تعیین بازرسی قانونی و اجرای حسابرسی مکلف هستند. این پرسش قابل طرح بوده است که آیا سپردن کار بازرسی قانونی این سازمانها به «سازمان حسابرسی»، آن هم به صورت «در انحصار»، کم و بیش باعث کم اهمیت تلقی شدن سایر وظایف بازرسی قانونی نخواهد شد و در سطح عملی نیز یکی از موضوعات مهم پژوهشی این است که سازمان حسابرسی چند درصد از مجموعه گزارشهای خود را و چگونه به حسابرسی، و چند درصد و چگونه به سایر نظارت‌های مقرر برای نهاد بازرسی قانونی اختصاص داده است و می‌دهد؛ به عنوان مثال با اینکه به موجب قانون، بازرسی یا



بازرسان شرکتهای سهامی در صورتی که ضمن مأموریت خود از وقوع جرمی آگاه شوند باید به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام، و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند (از ماده ۱۵۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷) به این وظیفه چگونه عمل شده است؟ باید در نظر داشت که به موجب ماده ۱۵۰ همان لایحه قانونی، بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون - که در این مقاله نقل خواهد شد - گزارش جامعی درباره وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. نتیجه: به نظر می‌رسد که سپردن بازرسی قانونی این سازمانها در قانون تشکیل سازمان حسابرسی به صورت «درانحصار» به این سازمان به بازنگری نیاز دارد.

## ۲-۵. ضرورت حضور بازرس در شرکت سهامی

بازرسی را از ارکان شرکت سهامی دانسته‌اند. با توجه به معنای رکن می‌توان قوام و دوام شرکت سهامی را به حضور فعال نهاد بازرسی قانونی موکول دانست. نقش و جایگاه بازرسان و گزارش آنها آن قدر اهمیت دارد که به موجب ماده ۱۵۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ در صورتی که مجمع عمومی، بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به عللی نتوانند گزارش، و یا از دادن گزارش خودداری کنند، رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع، بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است.

نتیجه: بازرسی قانونی از ارکان شرکت سهامی است و لذا قانونگذار، حضور فعال بازرس یا بازرسان قانونی را تا به حدی جدی گرفته است که در صورت اقتضا - تعیین شده در قانون - دادگاه، بازرس یا بازرسان را انتخاب می‌کند.

## ۶. مسئولیتهای بازرس قانونی

بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در وظایف خود مرتکب می‌شوند، طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی، مسئول جبران خسارت وارد شده خواهند بود (ماده ۱۵۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).



مسئولیت مدنی اگر تخلف در وظایف قانونی تعمدی و همراه با معاونت یا شرکت در امور جزایی ارتكابی از سوی مدیر یا مدیران باشد، مسئولیت کیفری نیز متوجه بازرس یا بازرسان خواهد بود (کاتبی، ۱۳۶۶: ۹۴ و ۹۵). واضح است که معاونت یا شرکت در امور جزایی ارتكابی از سوی هر یک از اعضای دیگر شرکت نیز مسئولیت کیفری را متوجه بازرس خواهد کرد؛ به علاوه، بازرس ممکن است در نقش بازرسی خود به صورتی جدای از مدیران و یا سایر اعضای شرکت، مرتکب جرمی شود؛ مثلاً در صورتی که بازرس قانونی یک شرکت دولتی متوجه جرمی شود که شخص طرف معامله شرکت مرتکب و باعث ضرر به شرکت شده است ولی با قانون مالی آن را ندیده بگیرد، مسئولیت کیفری متوجه او شده است. برای بازرسان قانونی مؤسسات و شرکتهای مشمول بازرسی سازمان بازرسی کل کشور نیز اگر نسبت به این وظیفه در ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان یاد شده استنکاف کنند، مجازات مقرر در ماده (۶۰۶) قانون مجازات اسلامی تعیین شده است؛ این ماده در این مقاله بررسی خواهد شد.

**نتیجه:** بازرس یا بازرسان شرکت سهامی اقسام مسئولیتهای مدنی و کیفری را دارند.

## ۲-۷. انتخاب بازرس یا بازرسان

انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی عام در مجموع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکتهای سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون به عمل می‌آید. (ماده ۱۴۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۵). از آن پس نیز مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. (ماده ۱۴۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). در تبصره این ماده نیز مقرر شده است: در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکتهای سهامی عام، اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. این تبصره برای شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهای سهام عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در این فهرست و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان آیین‌نامه‌ای را پیش بینی کرده بود. این آیین‌نامه در ۱۳۴۹ به تصویب رسیده است. مفاد این تبصره نشاندهنده حساسیت مضاعف بازرسی قانونی در شرکتهای سهامی عام است.

**نتیجه:** هر چند انتخاب بازرس شرکت از اختیارات مجموع عمومی - مؤسس و عادی است - با توجه به حساسیت مضاعف بازرسی قانونی در شرکتهای سهام عام، انتخاب بازرسان قانونی این شرکتهای تنها از میان «فهرست رسمی بازرسان شرکتهای» امکانپذیر است که با شرایط خاص از سوی سازمانهای مسئول تنظیم می‌شود.

## ۲-۸. وظیفه بازرس یا بازرسان قانونی در آگاه ساختن مجامع عمومی

بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است، مکلفند درباره صحت و درستی صورت‌داری و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجموع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند، اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان ببینند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی بر خلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند، بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند (ماده ۱۴۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون، گزارش جامعی درباره وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی به منظور مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد (ماده ۱۵۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). در صورتی که شرکت، بازرسان متعدد داشته باشد هر یک می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد؛ لیکن تمام بازرسان باید گزارش واحد تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد (تبصره ماده یاد شده).

نقش بازرس یا بازرسان قانونی شرکت سهامی در پیشگیری از و مقابله با رفتار خلاف قانون ناشی می‌شود که بر حسب مورد، ممکن است جرم هم باشد از وظایف تعیین شده در ماده ۱۴۸ نقل شده در قبل و وظایفی که در سایر مواد قانون برای آنان مقرر شده است. نتیجه: بازرس یا بازرسان قانونی باید ضمن بررسی گزارشها، صورتهای مالی و محاسباتی و هر مطلبی که مدیران به مجامع عمومی عرضه می‌کنند و ارائه نتیجه این بررسیها به آن مجامع، خود نیز گزارش جامعی شامل گزارش حسابرسی - تهیه، و به مجمع عمومی عادی عرضه کنند.

## ۹-۲. نظارت بر دعوت بموقع مجموع عمومی برای تشکیل بموقع

نظارت بر اینکه مجمع عمومی عادی سالانه شرکت سهامی در موعد مقرر دعوت به تشکیل شود و مجمع عمومی عادی در صورت اقتضا به طور فوق العاده دعوت به تشکیل شود از جمله وظایف بازرس یا بازرسان قانونی است. به موجب ماده ۹۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷، چنانچه هیأت مدیره، مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند، بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً به دعوت این مجمع اقدام کنند. باید توجه کرد که مجموع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود (خود ماده ۸۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷) و بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی، تصمیم‌گیری نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود (تبصره ماده یاد شده). در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که بر خلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده‌اند، صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد، این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی ندارد و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود (ماده ۱۵۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

هیأت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت کنند؛ در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود (ماده ۹۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). یکی از مواقع مقتضی که بازرس یا بازرسان به موجب قانون مکلف هستند مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت کنند، موقعی است که بر اثر فوت یا استعفاء یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران، تعداد اعضای هیأت مدیره از حداقل مقرر در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷، کمتر شود و عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی‌البدل برای تصدی محلهای خالی در هیأت مدیره کافی نباشد

و مدیران باقیمانده از دعوت بلافاصله مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کنند که در این موقع هر ذی‌نفع حق دارد که از بازرسی یا بازرسان شرکت بخواهد به دعوت مجمع عمومی عادی به‌منظور تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرسی یا بازرسان به چنین درخواستی مکلف هستند (ماده‌های ۱۱۲ و ۱۱۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

اهمیت و حساسیت تشکیل بموقع مجمع عمومی عادی از وظایف آن مجمع ناشی می‌شود. باید توجه کرد که آنچه در ماده ۸۹ - نقل شده در بالا - آمده است، همه وظایف مجمع عمومی عادی نیست. به موجب ماده ۸۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷، مجموع عمومی عادی می‌تواند نسبت به تمام امور شرکت بجز آنچه در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است، تصمیم بگیرد؛ با وجود این اهمیت ویژه رسیدگی بموقع به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت‌داری و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی - که از وظایف مجمع عمومی عادی است - را نباید نادیده گرفت.

باید توجه کرد که هیأت مدیره شرکت باید لااقل هر شش ماه یک بار، خلاصه صورت‌داری و قروض شرکت را تنظیم کند و به بازرسان بدهد (ماده ۱۳۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷) و باید پس از انقضای سال مالی، صورت‌داری و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی یاد شده تنظیم کند. این اسناد در این ماده باید اقلاً بیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود (ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷)؛ همچنین موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت، ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات مالی سال قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت کند (ماده ۱۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

بنابراین از آنجا که تصویب صورتهای مالی و محاسباتی شرکت و احراز سود خالص و سود قابل تقسیم در شرکت، موکول به اطلاع مجمع عمومی از نتیجه بررسی و کنترل

بازرس یا بازرسان شرکت نسبت به اسناد و دفاترها و صورتهای مذکور است، نقش بازرسان شرکتهای سهامی در پیشگیری از تخلفات مالی که بر حسب مورد ممکن است جرم نیز باشد - آشکار است؛ به علاوه آشکار است که تصویب صورتهای و احراز سودهای یاد شده به تشکیل مجمع عمومی عادی موکول است که بازرس یا بازرسان قانونی، چنانکه قبلاً بررسی شده، باید مراقب دعوت بموقع مجموع عمومی نیز باشند، هم‌چنین باید توجه کرد که اجرای بموقع سایر کارهای مجمع عمومی عادی از جمله در صورت اقتضا، انتخاب اعضای جدید هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان قانونی نیز به تشکیل بموقع مجمع عمومی موکول است. بنابراین، مراقبت بازرسان بر دعوت بموقع مجمع عمومی عادی از جهات متعدد و گوناگون واجد اهمیت و حساسیت است و می‌تواند در پیشگیری از و مقابله با تخلف و یا جرم مؤثر واقع شود.

برای بازرس یا بازرسان شرکت سهامی در مقابل مجمع عمومی فوق‌العاده نیز وظیفه‌هایی مقرر است؛ مثلاً باید در خصوص پیشنهاد هیأت مدیره در مورد افزایش سرمایه اظهار نظر کند (خود ماده ۱۶۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). نتیجه: نظارت بر دعوت بموقع مجمع عمومی برای تشکیل بموقع از وظایف بازرس یا بازرسان شرکت سهامی است. تشکیل بموقع هر مجمع عمومی در گرفتن تصمیمات بموقع از سوی مجامع عمومی و به اقتضای آن در پیشگیری از جرم و تخلف مؤثر است.

## ۲-۱۰. نقش بازرس قانونی بر رفتار هیأت مدیره و مدیر عامل

رکن دیگر شرکت سهامی، هیأت مدیره است. به موجب ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷، جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون گرفتن تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، مدیران شرکت دارای تمام اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند مشروط بر اینکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر، و در مقابل اشخاص ثالث، باطل و کان لم یکن است. مدیرعامل شرکت نیز به موجب ماده ۱۲۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷، در حدود اختیاراتی، که توسط هیأت مدیره

به او واگذار شده است، نماینده شرکت به شمار می‌رود و از سوی شرکت حق امضا دارد. بنابراین از جهتی می‌توان کنترل کار هیأت مدیره و مدیرعامل را مهمترین وظیفه بازرسی یا بازرسان قانونی شرکتهای سهامی دانست. قانون نیز به صراحت این وظیفه را برای بازرسی یا بازرسان قائل شده است. ماده ۱۵۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت- ۱۳۴۷ مقرر کرده است: بازرسی یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیر عامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند، و در صورتی که ضمن مأموریت خود از وقوع جرمی آگاه شوند، باید به مرجع قضایی صلاحیت دار اعلام، و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند.

نتیجه: کنترل رفتار هیأت مدیره از جهت سطح اختیارات آن و کنترل رفتار مدیرعامل به این دلیل که در حدود اختیارات تفویضی از سوی هیأت مدیره، نماینده شرکت محسوب است در تأمین سلامت امور مشترک دارای اهمیت است.

#### ۲-۱۱. وظیفه اعلام جرم

اعلام اطلاع از وقوع جرم به مرجع قضایی صلاحیت دار را از رویکرد سیستم دادستانی، می‌توان مهمترین وظیفه‌ای دانست که برای بازرسان قانونی مقرر شده است.

یکی از جهات اهمیت این وظیفه در عبارت «ضمن مأموریت» آن عبارت در حوزه مأموریت] انعکاس یافته است. وظیفه بازرسی یا بازرسان قانونی شرکت سهامی، شامل نظارت بر هرگونه رابطه و معاملهای نیز می‌شود که مدیران و سایر اعضای شرکت از سوی شرکت با اشخاص حاضر در محیط - اعم از محیط ملی و محیط بین المللی- دارند. بنابراین اگر این روابط جرم آلود باشد بازرسی یا بازرسان اطلاع از این جرم را نیز باید به مرجع قضایی صلاحیت‌دار اعلام کنند.

نظر به اهمیت جایگاه و نقش بازرسان قانونی، قانونگذار در ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ با اصلاحات ۱۳۸۷، «بازرسان قانونی مؤسسات و شرکتهای مشمول بازرسی» سازمان بازرسی کل کشور و مسئولان سازمان حسابرسی دولتی را نیز مکلف کرده است که چنانچه به سوء جریانی در رسیدگی به عملکرد مالی و اداری دستگاههای اجرایی و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت برسند که به وظایف

سازمان بازرسی مربوط است، مراتب را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند و در همان ماده مقرر کرده است که مستنکف به مجازات مقرر در ماده (۶۰۶) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

بنابراین در مورد آن دسته از سازمانهای مشمول [امکان قانونی] بازرسی سازمان بازرسی کل کشور که دارای بازرس یا بازرسان قانونی هستند در صورتی که بازرس یا بازرسان آنها، ضمن مأموریت از وقوع جرم یاد شده در ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی آگاه شوند- یعنی مطلع شوند که مشئول مطلع شده از وقوع جرم ارتشا یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) قانون مجازات اسلامی، مراتب را حسب مورد به مرجع صلاحیت دار قضایی یا اداری اعلام نکرده است- وظیفه دارند ضمن اعلام اطلاع خود از وقوع جرم، جرم مشئول مطلع شده (موضوع ماده ۶۰۶ یاد شده) را نیز به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام کنند. به نظر می‌رسد که اجرای درست و کامل این وظیفه می‌تواند تأثیر زیادی در پیشگیری از و مقابله با جرم در حوزه سازمانهای یاد شده و روابط محیطی و معاملات آنها داشته باشد.

**نتیجه:** دامنه و برد نسبتاً وسیع امکان اطلاع بازرس قانونی از جرم، اهمیت اعلام وقوع جرم به مرجع قضایی صلاحیت‌دار را در پیشگیری از و مقابله با جرم نشان می‌دهد. در این زمینه، بازرسان قانونی سازمانهای مشمول [امکان قانونی] بازرسی سازمان بازرسی کل کشور، دارای وظایف ویژه‌ای نیز هستند.

## ۲-۱۲. سایر وظایف

وظایف یاد شده را می‌توان از وظایف عادی بازرسان دانست. قانونگذار هر جای دیگر نیز که مراقبت بازرسان را پیشگیری از و مقابله با تخلف و یا جرم ضروری دانسته به آن حکم کرده است.

## ۳. مثالها

- بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش کنند (ماده ۱۱۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت- ۱۳۴۷).



- هرگاه عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل شرکت و هم‌چنین مؤسسه یا شرکتی که عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل آن باشد، حتی با اجازه هیأت مدیره در معامله‌ای که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع شود، بازرس مکلف است، ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله، نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تقدیم کند (از ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

- مجمع عمومی فوق‌العاده، که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می‌کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می‌دهد، می‌تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنها سلب کند به شرط اینکه چنین تصمیمی پس قرائت گزارش هیأت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت گرفته شود و گرنه باطل خواهد بود (ماده ۱۶۷ لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

گزارش هیأت مدیره یاد شده در این ماده باید شامل توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی باشد که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده، و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است (تبصره همان ماده).

- در مورد ماده ۱۸۵ پس از پذیره‌نویسی، باید موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتها صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده بستانکاران پذیره نویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از تصفیه آن گونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده باشند، همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و اظهارنامه هیأت مدیره مشعر بر اینکه تمام این سهام خریداری، و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شود (ماده ۱۸۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). ماده ۱۸۵، این لایحه قانونی نیز مقرر می‌دارد: در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام، افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد، سهام جدیدی که در نتیجه این گونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضای ورقه سهم توسط طلبکارانی انجام می‌گیرد که مایل به پذیره‌نویسی سهام جدید باشند.

- پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده با بازرسی یا بازرسان شرکت تسلیم شود. این پیشنهاد باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از آغاز سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد، حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد (ماده ۱۹۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷). بازرسی یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد کرد و مجمع عمومی پس از شنیدن گزارش بازرسی تصمیم خواهد گرفت (ماده ۱۹۱ همان لایحه قانونی).

- به موجب ماده ۳۰ آیین نامه اجرایی قانون چگونگی انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۷/۵/۱۸ هیأت وزیران، اوراق مشارکت ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت (سهامی عام) باشد. در این صورت مجمع عمومی فوق العاده بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسی یا بازرسان شرکت اجازه انتشار اوراق مشارکت را می‌دهد و شرایط و مدتی را که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند، تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیأت مدیره خواهد داد. تبصره - مابه‌التفاوت سود قطعی و سود علی الحساب می‌تواند قابل تعویض یا تبدیل سهام باشد.

نتیجه: قانونگذار، وظایف گوناگونی را نیز بر حسب مورد به منظور مراقبت بازرسی یا بازرسان قانونی بر قانونی بودن، درستی و کفایت جریان آن موارد و در راستای پیشگیری از تخلف و یا جرم مقرر کرده است.

**باز تنظیم نتیجه‌ها:** جایگاه و نقش مجموعه شرکتهای سهامی در جامعه و در سازمان دولت، موجب نقش قابل توجه سلامت آنها در سلامت اقتصادی و اداری جامعه (نبود تخلف و جرم) است و اجرا و اعمال درست و کامل وظایف و اختیارات نهاد بازرسی قانونی شرکتهای سهامی به صورت غیر مستقیم در پیشگیری از و مقابله با فساد اقتصادی و اداری مؤثر می‌شود و از سوی دیگر از طریق اعلام اطلاع یافتن ضمن مأموریت از وقوع جرم به مرجع قضایی صالح، و در مورد سازمانهای اداری مشمول بازرسی سازمان بازرسی کل کشور، اعلام سوء جریان به سازمان یاد شده، موجب می‌شود که بازرسی قانونی، به صورت مستقیم در پیشگیری از و مقابله با جرم، تخلف و سوء جریان مؤثر واقع شود.

#### ۴. پیشنهادها

- بر مبنای نتیجه‌های یاد شده پیشنهاد می‌شود:
- نظامی طراحی شود که به صورت «قانون» درآمد که بر مبنای آن سازو کار استفاده نهادها مسئول حفظ سلامت اقتصادی و اداری جامعه از ظرفیت قانونی نهاد بازرسی قانونی توسعه یابد.
- سپردن بازرسی قانونی این سازمانها در قانون تشکیل سازمان حسابرسی به صورت «در انحصار» به این سازمان بازرسی شود.

#### یادداشتها

- ماده ۶) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷: برای تأسیس شرکتهای سهامی عام مؤسسان باید اقلأ بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده.
- ماده ۱۷۲) در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند، حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.
- ماده ۱۷۳) شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی، ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند.
- تعریف قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶ ه. ش. از شرکت دولتی: ماده ۴- شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰٪ سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکتهای دولتی ایجاد شود تا وقتی بیش از پنجاه درصد سرمایه آن متعلق به شرکتهای دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود. تبصره) شرکتهایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به کار انداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکتهای بیمه ایجاد شده یا می‌شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند.

- تعریف قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶ از شرکت دولتی: ماده ۴- شرکت دولتی: بنگاه اقتصادی است به موجب قانون برای اجرای قسمتی از تصدیهای دولت به موجب سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جزو وظایف دولت محسوب می‌گردد ایجاد می‌شود و بیش از پنجاه درصد سرمایه و سهام آن متعلق به دولت است. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده تا وقتی بیش از پنجاه درصد سهام آن منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق الذکر باشد، شرکت دولتی است.

تبصره ۱) تشکیل شرکتهای دولتی تحت هر یک از عناوین فوق الذکر صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است؛ هم‌چنین تبدیل شرکتهایی که سهام شرکتهای دولتی در آنها کمتر از (۵۰٪) است با افزایش سرمایه به شرکت دولتی ممنوع است.

تبصره ۲) شرکتهایی که به حکم قانون یا دادگاه صالح ملی و یا صادره شده و شرکت دولتی شناخته شده و یا می‌شوند شرکت دولتی تلقی می‌گردند.

- نظارت شکلی، نظارت بر الگوی ظاهری رفتار از جهت مقایسه آن با الگوی مقرر است و نظارت ماهوی، نظارت بر ماهیت واقعی رفتار از جهت مقایسه آن با مقتضا است (کریمیان، ۱۳۸۰: ۳۲۶).
- ماده ۲۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷: برای تأسیس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای کافی خواهد بود.
- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورتجلسه‌ای قید شود و به امضای تمام سهامداران رسیده باشد.
- آیین‌نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ درباره چگونگی انتخاب بازرس شرکتهای سهامی عام، مصوب ۱۳۴۹/۱۱/۱۳ کمیسیون خاص دو مجلس (شورای ملی، سنا).
- به موجب ماده ۱۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷، هیأت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه

پیش بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید. به موجب ماده ۱۳۹ همان لایحه قانونی، هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

حالتی دیگر که بازرسی یا بازرسان مکلف خواهند بود مجمع را دعوت کنند در ماده ۹۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷ آمده است: سهامدارانی که اقلأ یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند، حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیأت مدیره خواستار شوند و هیأت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند؛ در غیر این صورت درخواست کنندگان می‌توانند دعوت مجمع را از بازرسی یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرسی یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط اینکه تمام تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت، و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیأت مدیره و بازرسان و تصریح کنند.

- به موجب ماده ۹۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷ نیز، هیأت مدیره و هم‌چنین بازرسی یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت نمایند.

• ماده ۱۴۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷: اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند:

۱. اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون
  ۲. مدیران و مدیر عامل شرکت
  ۳. نزدیکان سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم
  ۴. هر کس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می‌کند.
- ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند:
۱. محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.

۲. کسانی که به علت ارتکاب جناب یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت.
۳. دزدی، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است، اختلاس، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی.
- ماده ۱۱۲- در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران، تعداد اعضاء هیأت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود، اعضای علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علی‌البدل کافی برای تصدی محل‌های خالی در هیأت مدیره نباشد، مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را به منظور تکمیل اعضای هیأت مدیره دعوت نمایند.
  - ماده ۱۱۳- در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیأت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند، هر ذی‌نفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی به‌منظور تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به چنین درخواستی می‌باشند.
  - ماده ۲۴۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷: در شرکتهای سهامی عام هیأت مدیره مکلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حسابهای شرکت، گواهی نمایند که تمام دفاترها و اسناد و صورت حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیأت مدیره وضع مالی شرکت را به نحو صحیح و روشن نشان می‌دهد.
  - ماده ۱۳۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷: هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت به صورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رو نوشت بگیرد.

- سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای تمام هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها (ماده ۲۳۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

- از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارد شده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم بر خلاف این ماده باطل است (ماده ۲۳۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷)

- سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است (ماده ۲۳۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

- مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود، تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود؛ در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم شود. هر سودی که بدون رعایت این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد ... (ماده ۲۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷)

- ماده ۱۶۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷: مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می‌کند.

تبصره (۱) مجمع عمومی فوق‌العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می‌کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأییدیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیأت مدیره واگذار خواهد کرد.

تبصره (۲) پیشنهاد هیأت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان، و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد، حاکی



از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد، گزارش بازرسی یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت مدیره باشد.

- ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی: هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسئولان سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸)<sup>۱</sup> که از وقوع جرم ارتشا یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹)<sup>۲</sup> و (۶۰۳)<sup>۳</sup> در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت دار قضایی یا اداری اعلام نمایند علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفعال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.
- مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که موجب اساسنامه به منظور دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم است و قابل انتقال نیست و تا وقتی مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند (ماده ۱۱۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

- در صورتی که مدیری هنگام انتخاب، مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد و هم‌چنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به

۱. ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی: هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراهای و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان سه گانه و هم‌چنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی ...

۲. ماده ۵۹۹ قانون مجازات اسلامی: هر شخصی عهده دار معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است و به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد.

۳. ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی: هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج از کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص با سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوع بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریق حسابی که باید به حساب آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصل از این طریق محکوم شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال محکوم خواهد شد.

عنوان وثیقه، مدیر باید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه کند و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب خواهد شد (ماده ۱۶۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی است<sup>۱</sup> و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مابقی که طی آن مدت، مدیریت مدیران منتفی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است، سهام مورد وثیقه این گونه مدیران خود به خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد (ماده ۱۶۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

• اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت و هم‌چنین مؤسسات و شرکتهایی که اعضای هیأت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند، نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازت نیز هیأت مدیره مکلف است بازرسی شرکت را از معامله‌ای که اجازت آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرسی نیز مکلف است، ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل ذی‌نفع در معامله در جلسه هیأت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام گرفتن تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت (ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

- معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال گرچه توسط مجمع عمومی عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد، جبران خسارت بر عهده هیأت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذی‌نفع و مدیرانی است که

۱. در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرسی یا براساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازرسی تعیین شده‌اند صورت‌داری و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد؛ این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی ندارد و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود (ماده ۱۵۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).  
ماده ۱۴۷ در یادداشت شماره ۵ آمده است.

آجازه آن را داده‌اند که همگی متضامناً مسئول جبران خسارت وارده معامله به شرکت هستند (ماده ۱۳۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

- در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیأت مدیره صورت گرفته باشد، هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند، آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن، بطلان معامله را از دادگاه صلاحیت دار درخواست کند؛ لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذی‌نفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم به‌منظور معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهند داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیأت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد (ماده ۱۳۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷).

### منابع فارسی

۱. ستوده تهرانی، حسن، تجدیدنظر: عباس شیری (۱۳۸۰). حقوق تجارت، ج اول، چ ششم، نشر دادگستر
۲. ستوده تهرانی، حسن، تجدیدنظر: سید علی سید احمدی سجادی (۱۳۷۸). حقوق تجارت، ج دوم، چ سوم، ناشران: نشر میزان، نشر دادگستر
۳. کاتبی، حسینقلی (۱۳۶۶). حقوق تجارت، چ سوم، چ اول گنج دانش، کتابخانه گنج دانش
۴. کریمیان، محمدوزین (۱۳۸۰). نظارت شکلی - نظارت ماهوی، در مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، چ اول، سازمان بازرسی کل کشور - دانشکده مدیریت دانشگاه تهران: ۳۳۳-۳۲۶.
۵. کریمیان، محمد وزین (۱۳۸۹). رویکردهای حقوقی و مدیریتی در نظارت و بازرسی، فصلنامه نظارت و بازرسی، سال اول ش اول، تهران: بازرسی کل ناجا.
۶. مهر، فرهنگ، (چ فروردین ماه ۱۳۴۹). مؤسسات انتفاعی و شرکتهای دولتی، دانشگاه علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.

۷. قوانین و آیین نامه‌ها (به ترتیب رجوع در مقاله)

- قانون تجارت- ۱۳۱۱ هـ. ش
- لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت - ۱۳۴۷ هـ. ش
- اساسنامه سازمان حسابرسی - مصوب ۱۳۶۶ هـ. ش
- قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور- مصوب ۱۳۶۰ هـ. ش؛ با اصلاحات ۱۳۸۷ هـ. ش
- آیین نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ درباره چگونگی انتخاب بازرس شرکتهای سهامی عام، مصوب ۱۳۴۹/۱۱/۱۳ کمیسیون خاص دو مجلس (ملی، سنا)
- آیین نامه اجرایی قانون چگونگی انتشار اوراق مشارکت - مصوب ۱۳۷۷/۵/۱۸ هیأت وزیران
- قانون محاسبات عمومی کشور- ۱۳۶۶ هـ. ش
- قانون مدیریت خدمات کشوری- ۱۳۸۶ هـ. ش
- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده)- ۱۳۷۵ هـ. ش